

احتیاج ایران

بقلم جناب آقای حسن بایسوزی محصل دار الفنون امریکائی بیروت

بقیه از شماره ۳ و ۴

باری این فساد اخلاق که شرحش گذشت شهامت ملی و روح وحدت و یگانگی و اتکای به نفس را هم کشته و از میان برده است. از طرف دیگر امراض تناسلی روز بروز در تزايد است و امروز دو بلکه پنج در صد اهالی ایران باین قبیل امراض مبتلا و گرفتارند. يك علت بزرگ دیگر انحطاط اخلاقی ایرانیان بی علمی نسوان و تقید آنان است. بیچاره زنهای ایرانی معلوم نیست چه گناهی را مرتکب شده اند که بایست در ایران کفن سیاه پوشیده و از جمیع حقوق ملی، سیاسی، و اجتماعی محروم و بی بهره باشند. معلوم است محل تربیت اطفال تا سن هفت سالگی آغوش و دامن مادر است. اگر مادر خود بد اخلاق و بی علم باشد فرزندش نیز افکارش باز و اخلاقش خوب نخواهد شد. پایه افکار شخص افکار است که هنگام کودکی در مغز بچه جای گزین میشود. اگر آن افکار سست باشد کلیه افکارش بالطبع سست خواهد شد. مادران ایرانی از کثرت جهل و نداشتن تربیت بهیچوجه مواظب اخلاق و عادات اطفالشان نیستند. ای کاش تنها باین بی مبالائی اکتفا کرده و خود باعث فساد اخلاق فرزندانشان نمیشدند. طفل چهار ساله ایرانی يك طومار خشم و دشنام و الفاظ رکیک که مادر موقع تنبیه یا بطور مزاج نسبت باو استعمال

کرده است از حفظ دارد. از طرف دیگر تقید نسوان و حجاب آنان خود ممد فساد اخلاق جوانان است.

حال که منبع و منشاء فساد را یافتیم بایست راه علاجی هم پیدا کنیم. سطور فوق کاملاً مشهود و نمایان گشت که امروزه مملکت، مقدم بر همه چیز محتاج اصلاح و تهذیب اخلاق است. برای يك ملتی که خود را بسوی فنا میکشاند از راه آهن، حفر معادن، قشون بل توسعه معارف برتر و بالاتر تهذیب اخلاق است تا او را از این مادیات خشک اروپائی، خرافات و موهومات قرون وسطی و فساد اخلاق نجات دهد. (۱) چنانکه صفحات تاریخ نشان میدهد هر ملتی که فاقد شهامت و اتکای به نفس و محسنات اخلاقی باشد دیر یا زود مضمحل و نابود خواهد شد. همین ملت بواسطه انحطاط اخلاقی و تن پروری تمدن، زبان و قومیتش را در تحت استیلای عرب از کف داد. (۲) «مات رم» همینکه شهامت و اخلاق اولیه خود را از کف

(۱) بدیهی است راه آهن، حفر معادن، قشون، معارف و صنایع و غیره و غیره که رفع احتیاجات يك قومی را مینماید بالطبع تا اندازه رفع فساد اخلاق را هم میکنند. چون فقر مادی و معنوی از همه چیز بیشتر باعث فساد اخلاق است. (سودمند)

(۲) باز هم باید متشکر باشیم که ملت ایران بهر وسیله که مقدور بود نصف زبان خود را از دست نداده و تا اندازه قومیت خود را نکهداشته است و این خود بزرگترین دلیل زنده بودن روح ملی ایران در هر دوره و در هر قرن است.

(سودمند)

داد در مقابل مهاجرت مشتی قبایل وحشی از پا در آمد ، همچنین یونانیها ، مصریها اترک و اعراب و سایر ملل عالم . پس بدیهی است که برای ترقی هر ملی اخلاق مرضیه و شهامت و اتکالی به نفس لازم است که امروز ایرانیان بدبخت فاقد آن میباشند .

یگانه راه علاج تشکیل يك حکومت قوی ، ملی و از ادینخواه است که این بنا و اساس کج را در هم شکسته و بر روی آن پایه يك تمدن و اخلاق جدیدی آمیخته از تمدن و اخلاق و عادات ایرانی و اروپائی بگذارد . نه ممکن است که به یکبار پشت پا به حیات و اخلاق شرقی خود زده و همه را بکناری گذارده و کور کورانه تقلید از اروپا کنیم و نه در را بروی خود بسته بهمان افکار پوسیده چندین قرن قبل باقی مانده و از ورود تمدن اروپا جلوگیری نمائیم . این حکومت بایست از اشخاص خیر خواه ، دانشمند و وطنپرست تشکیل شود که هر قدمی که بر میدارند بمنافع ایران بوده و بجای اصلاح ممد فساد ننگردند . این حکومت نه باید در اقداماتش محافظه کار باشد خواه اکثریت ملت طرز فدار آن اصلاح باشد یا نباشد زیرا که امروز يك ربع از قرن بیستم میگردد و بیشتر از این ممکن نیست ایرانی بدبخت در کنار منقل نشسته جرت بزند . اولین اقدام حکومت تفکیک سیاست از مذهب و قطع کردن دستهای روحانیون از امور مملکتی است . ملل اروپا تا سیاست را از مذهب تفکیک نکردند ترقی نمودند . حال کارهائی که لازم است پس از این اقدام حکومت بنماید از قرار ذیل است .

۱ - ممنوع داشتن وافور ، مسکرات و سایر ذمائم اخلاقی . برای

این کار باید جدیدیت تامه بخرج داده مرتکبین این اعمال را لازم است بسختی مجازات نمود .

۲ - ممنوع داشتن فالگیر ، رمال ، جادوگر ، حقه باز ، ذرویش و سایر اشخاص که مدعی مرابطه با عالم مافوق طبیعت هستند از ادامه حرکات و اعمال شرم آور خود تا موهومات و خرافات از بین برود و باین طریق افکار مردم باز شده ترقی نمایند . برای مرتکبین این اعمال بایست مجازاتهای سخت معین شود .

۳ - عطا نمودن به نسوان حقوق اجتماعی ، مدنی و سیاسیشان .

۴ - ریختن اساس یک معارف صحیح و اجباری نمودن تعلیمات ابتدائی .

۵ - تشکیل یک دارالترجمه مرکب از فضیلاتی مملکت برای ترجمه کتب اخلاقی ، علمی و ادبی از زبانهای خارجه ، تا بحال اکثر کتابهاییکه ترجمه شده است داستانهای معاشقه بوده که ذره بحال مات فایده نداشته بلکه بر فساد اخلاقی افزوده است .

هرگاه این اصلاحات در مملکت مجری شد به یقین افکار و عقاید و اخلاق مردم تصحیح شده و این کشور بدبخت پس از سالها رنج و بیچارگی راه ترقی و سعادت در پیش خواهد گرفت .

در خاتمه منجی و محیی ایران اعلیحضرت شهریاری شاهنشاه پهلوی را مخاطب ساخته بآستان هایونش معروض میدارم که :

اعلیحضرتا . ملت ایران در نتیجه توالی انقلابات و صدمات روحش افسرده و خموده گشته و فساد اخلاق سر تا سر مملکت را فراگرفته است . امروز یک اصلاح اخلاقی لازم است که این روح

بزمرده را طراوتی تازه بخشد تا باز زندگانی با شوکت باستانی را
از سر گیرد .

حسن بایسوزی شیرازی محصل دارالفنون

بزرگترین مفسد اجتماعی ما

بقلم جناب آقای میرزا علی اصغر شمیم همدانی

بقیه از شماره ۵

گفتیم فقدان عزم و اراده قوی در افراد يك ملت نمونه پستی
و انحطاط آن ملت است . سهل انگاری و بیقیدی و پشت بکار کردن
انار و علامم مرک و اضمحلال يك ملت است . ایا امروز تمام این انار
و علامم در ما دیده نمیشود ؟ زیاد حرف میزنیم و کم کار میکنیم ، به
همه چیز بنظر بیقیدی نگاه میکنیم ، در مقابل هر صدمه مانند بیوه
زان گریه میکنیم ، از انجام وظیفه خود عاجزیم و بالاخره مامردگان
متحرکیم و ملولی نخواهد کشید که در مقابل سیل بنیان کن تمدن غربی
اگر حرکت و جنبشی نکنیم محو و نابود خواهیم شد . امروز دیگر
نشستن و گریه کردن بدرد نمیخورد . در مقابل اختراعات محیر العقول
اروپائی خیال بافتن فایده ندارد . روح شرقی باید از عالم خیال خارج
شده داخل در عمل شود . دنیا دنیای سعی و عمل است . عالم عالم کار
و جدیت است . باید از عالم موهومات که مدتهاست روح شرقی را
فسرده کرده خارج شده قدم بعالم کوشش و جدیت در عمل گذاشت .